

دولت آرژانتین متعهد شد برای تامین مالی بخش عمومی از چاپ پول استفاده نکند و برای تامین مالی کسری بودجه تنها از طریق استقرار خارجی اقدام نماید. به همین دلیل واکنش نرخ بهره واقعی سرمایه گذاری و تولید در کوتاه مدت در آرژانتین خیلی متفاوت از دو کشور دیگر بود. در برزیل فرار سرمایه مسئله مهمی نبود و ظرفیت های تولید در تعداد روبه افزایشی از بخشهای صنعتی و نیروی برق در حال نزدیک شدن به حداکثر خود بودند. بنا بر این نیاز به نرخهای بهره بالا برای کنترل فرار سرمایه های سودجویانه و محدود کردن مصرف می بایست در مقابل نیاز به تشویق سرمایه گذاری های مولد جدید و محدودیت هزینه با زپرداخت بدهیهای داخلی تعدیل می شد. در دومین مرحله برنامه اصلاحات، به نرخ بهره اسمی اجازه افزایش داده شد اما بردهای ناشی از دارایی های مالی کوتاه مدت مالیات سنگینی وضع گردید تا نگهداری دارایی های بلند مدت تر تشویق شود.

قطع ناقص ارتباط مابین شاخص قیمتها و ابزارهای مالی:

یک جزء نهائی از این برنامه ها، اصلاح ترتیبات مربوط به وابستگی شاخص قیمتها و ابزارهای مالی در هر سه کشور بود. در فلسطین اشغالی این ارتباط برای دارایی های دراز مدت باقی ماند اما سپرده های بیشتری در حسابهای دلاری کوتاه مدت (PATAM) مجاز دانسته نشد. از آنجا که این دارایی ها جانشین نزدیکی برای پول بودند انتظار می رفت این اقدامات موجب افزایش درآمد مالیاتی حاصل از انتشار پول و تورم باشد. برزیل ارتباط بین اوراق قرضه دولتی و شاخص قیمتها را برای یکسال معلق نمود.

متابع مالی بخش عمومی درآمدی بودند. بنابراین جهت بهبود مدیریت دولتی، تعدادی از تکنوکرات‌ها به پستهای کلیدی منصوب گردیدند. از جنبه خارجی، مازاد تراز تجاری در سال ۱۹۸۵ به ۴/۵ میلیارد دلار افزایش یافت. البته این مقدار برای تامین پرداخت بهره ۵/۳ میلیارد دلاری (۸ درصد تولید ناخالص داخلی) کل وام‌های خارجی (به میزان تقریبی ۴۹ میلیارد دلار) کافی نبود. دورنمای ناامیدکننده برای صادرات اصلی این کشور (گندم، گوشت و محصولات روغنی) کاهش مازاد تراز تجاری و رسیدن آن به ۲/۲ میلیارد دلار را در سال ۱۹۸۶ نوید می‌داد.

عدم توانایی در ایجاد خالص‌پس‌اندازهای خارجی سه علت و ام‌زیاد و محدودیت پس‌اندازهای بخش عمومی - در کوتاه مدت بدین معنا بود که سرمایه‌گذاری و رشد به طرز شدیدی به بخش خصوصی وابسته باشد. شکست بخش خصوصی در واکنش به این نیاز عامل اصلی بزرگترین نقطه ضعف این برنامه یعنی عملکرد کندی اقتصادی بسود. تولید صنعتی در سه ماهه دوم سال ۱۹۸۶ به میزان قابل ملاحظه‌ای بیش از سه ماه سوم سال ۱۹۸۵ (سه ماهه اول شروع برنامه استرال) بودولی تقریباً " در همان سطح سه ماهه چهارم سال ۱۹۸۴ قرار داشت. در آوریل ۱۹۸۶ سیاست تثبیت ارزش استرال در مقابل دلار آمریکا لغو گردید و جهت حفظ قدرت رقابت خارجی، سیاست نرخ ثابت خزنده در پیش گرفته شد، در نهایت، آزادی ناقص کنترل قیمت‌ها که در تاریخ فوق اعلام شده بود در واکنش به افزایش تورم در ژوئیه و اوت ۱۹۸۶ متوقف شد و در ۲۹ اوت کنترل قیمت‌ها یکبار دیگر شدیدتر گردید.

بودند می بایست به یک صندوق جدید توسعه ملی جهت تامین مالی سرمایه‌گذاری های طرح ریزی شده در بخشهای چون نیروی برق و فولاد انتقال می یافتند. سرمایه‌گذاری های بخش خصوصی نیز افزایش یافت.

تراز تجاری در هشت ماهه اول سال ۱۹۸۶ یک میلیارد ۸/۲ میلیارد دلاری را نشان می داد، که نسبت به مدت مشابه در سال ۱۹۸۵، ۴ درصد افزایش داشت. برای کل سال ۱۹۸۶ مازادی بیش از ۱۲ میلیارد دلار (درست اندکی کمتر از ۵ درصد تولید ناخالص داخلی) انتظار می رفت. نرخ واقعی ارز در مقابل دلار آمریکا - آنچنان که بر اساس ارتباط مابین قیمت های عمده فروشی در برزیل و آمریکا محاسبه می شود - و همینطور در مقابل نرخ موزون ارز (شامل سیدارزی دوازده بازار عمده صادراتی برزیل) عملاً در اوت ۱۹۸۶ کاهش ملامی پیدا کرد. (در ۱۵ اکتبر ۱۹۸۶ "کروزادو" در حدود ۸/۸ درصد در مقابل دلار آمریکا کاهش ارزش یافت). در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ مذاکرات مجدد در مورد قروض خارجی به بانک های تجاری با موفقیت صورت گرفت و پرداختها به کلوب اعتبار دهندگان پاریس از سر گرفته شد. (۱)

درآمدهای مالیاتی - عمده " به دلیل رشد سریعتر از خود انتظار اقتصادی - کاملاً از پیش بینی های اولیه بالاتر رفت و این امر علی رغم یک کاهش اولیه در درآمدهای مالیاتی حاصل از شرکتها بود که به دلیل کاهش سود در بخش مالی بعد از شروع برنامه به وقوع پیوسته بود. اما هزینه ها شامل: سوبسیدها، کمکهای بلاعوض - شرکت های دولتی و اخیراً " بالارفتن هزینه های بهره وامهای بخش

(۱): منظور از " Paris Club " صندوق بین المللی پول می باشد.

عمومی، نیز افزایش یافتند. از سوی دیگر سقوط قیمت نفت تا حدی این وضعیت را جبران نمود.

رژیم اشغالگر قدس :

=====

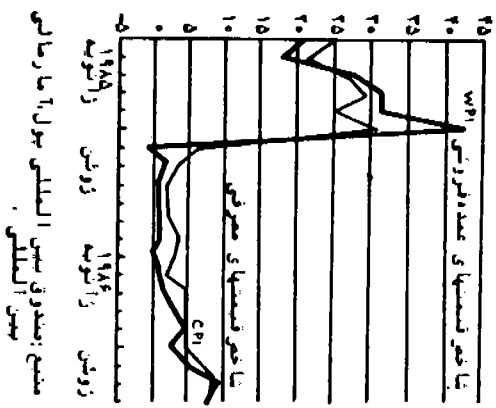
به نظر می رسد که اصلاحات در فلسطین اشغالی از موفقیت قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است. البته تورم بعد از تحمیل کنترل ها پائین آمد، و تا ژوئیه ۱۹۸۶ (وقتی که نیمی از کنترل ها کنار گذاشته شده بودند) هنوز پائین تر از نرخهای گذشته بود. کنترل ها با دقت کنار گذاشته شدند بطوری که سعی می شد مابین کالاهائی که انتظار بالا رفتن و کالاهائی که انتظار پائین رفتن قیمت آنها می رفت تعادلی برقرار گردد. در این فرآیند، سقوط جهانی قیمت نفت بسیار کمک نمود.

عدم اشتغال در فلسطین اشغالی زیاد افزایش نیافت، افزایش اولیه ۲ درصدی آن نیز در شش ماهه بعدی نصف گردید. بنظر می رسد که اسرائیل غاصب تورم را بدون متحمل شدن هزینه های عمده در کاهش تولید و افزایش بیکاری پائین آورده است. توضیح این عملکرد را می توان بطور قطع در سیاست پیچیده دستمزدهای واقعی و امتناع صریح و آشکار از پیروی از اهداف تعیین شده اسمی در مورد رشد پول در مراحل اولیه اصلاحات پیدا کرد.

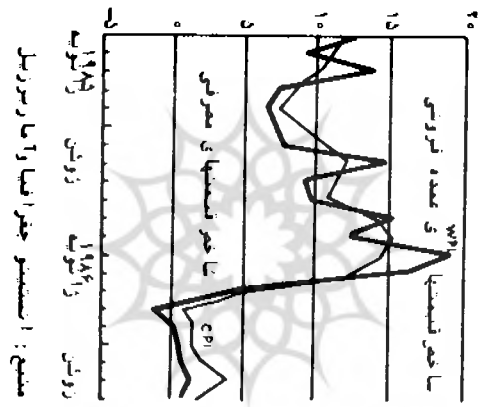
نرخهای واقعی بهره دومین شباهت را با برزیل و تقابلات مشخصی را با آرژانتین بوجود می آورد. قبل از شروع برنامه نرخهای واقعی بهره در اسرائیل غاصب بسیار بالا بود. اما پس از آن افزایش عمده ای نیافت. نتیجتاً " سرمایه گذاری ها، حتی وقتی هزینه مصارف

سریجهای تورم ماهانه در آذربایجان ، سورزیل و ایسرائیل

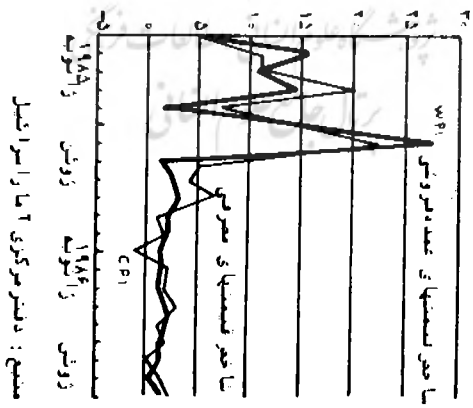
آذربایجان



سورزیل



ایسرائیل

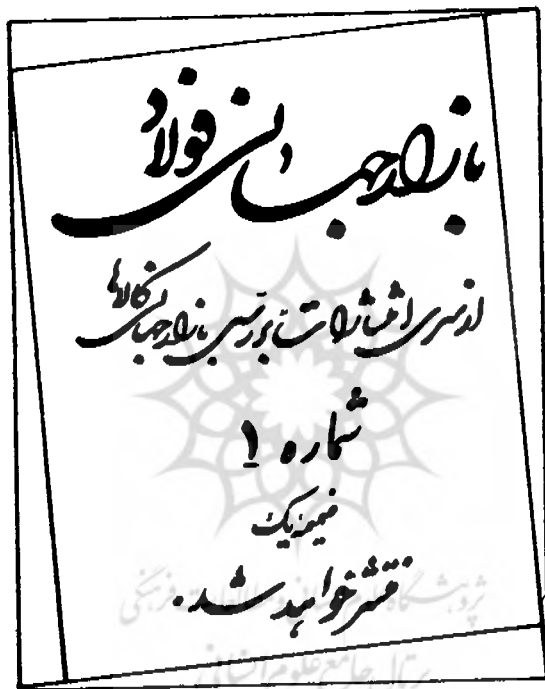


های تدریجی باشد.

یکی از ویژگیهای مهم دوبرنامه از سه برنامه مذکور تا سال ۱۹۸۶ این بوده است که بنظر می رسد که این برنامه ها از تغییرات عمده در نرخ واقعی ارز، و نیز به میزان کمتری در نرخ واقعی بهره و نرخ واقعی دستمزد که در حقیقت ریشه بسیاری از شکستهای قبلی همین تغییرات بوده است، اجتناب نموده اند. هماهنگی دقیق میان مداخلات در دستمزدهای اسمی، قیمتها و نرخ ارز همراه با اصلاحات اساسی در هر جا که لازم بوده، در دستیابی به موفقیت نقش عمده ای بازی نموده است. انتخاب یک سری ابزارهای پولی هماهنگ، یکی از ویژگیهای است که تجربیات غیر معمول اخیر را از برنامه های تثبیت اقتصادی قبلی، نظیر طرحهای از پیش اعلام شده کاهش ارزش پول - که در تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ بکار گرفته شد - متمایز می سازد. در برنامه های قبلی، اتکاء بر نرخ ارز جهت کاهش تورم با کنترل های موقتی قیمتها و دستمزدها پشتیبانی نمی شد. در دستیابی به هماهنگی مذکور، کنترل قیمتها و دستمزدها نقش مفیدی را اجرا کرده اند.

البته تجربه آرژانتین، برزیل و رژیم اشغالگر قدس پیشنهاد می کند که چنین کنترل هائی، وهمینطور قطع ارتباط میان شاخص قیمتها و دستمزدها و اصلاحات پولی، بیشتر اجزائی مکمل هستند تا جانشین هائی جهت اصلاحات اساسی تر از نقطه نظری وضعیت مالی. تحولاتی که تا کنون صورت گرفته نشان می دهد که سیاست گذاران با این وظیفه مشکل روبرو هستند که عبارتست از ایجاد تعادل بین نیاز به متقاعد نمودن عوامل اقتصادی به این مسئله که

محیطی با تورم پایین ایجاد گردیده و اینکه فرصتی جهت گسترش
مجدد پول در اقتصاد و ایجاد محیط مطلوبی جهت رشد پدید آمده
است .



به نقل از :

"Escaping From Hyperinflation", Finance & Development
Vol.23, No.4 , December 1986.PP.14-17.